

## تحریم اجتماعی به مثابه راهکاری تربیتی از منظر آیات و روایات \*

□ احمد سعیدی \*\*

### چکیده

یکی از مواد مهم مورد نیاز در فعالیت تربیتی و همچنین فصول مهم در فقه تربیت، توجه به روش‌ها و راهکارهای تربیتی است که گره‌گشایی‌های مهمی، در عرصه تربیت دارد. از جمله آن راهکارها که در شریعت اسلامی نیز وجود داشته و آیات و روایات معتنابهی در این زمینه موجود است، «تحریم اجتماعی» است؛ مقصود از آن، ایجاد نوعی فشار روانی، در بستر اجتماع و در اثر محرومیت‌های خاصی است که برای شخص ایجاد می‌شود.

این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی با جمع‌آوری آیات و روایات مربوط به تحریم اجتماعی و دلالت‌پژوهی آن‌ها، در صدد بررسی ابعاد گوناگون «تحریم اجتماعی» است که به مثابه روش تربیتی باید ملاحظه شود. مخاطب تحریم، بازه زمانی تحریم، اثر و هدف از تحریم، عوامل مباشر تحریم و همچنین مراتب تحریم از شدید به ضعیف، نوآوری‌های پژوهش است که برگرفته از آیات و روایات است. واژگان کلیدی: تحریم اجتماعی، راهکار تربیتی، فقه تربیت، تربیت اجتماعی، کنترل اجتماعی.

---

\* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۳/۷؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۶/۲۱.

\*\* پژوهشگر مؤسسه عالی فقه و اصول جواد الائمه (علیه السلام)، قم، ایران: (asaedi91@gmail.com).

## مقدمه

فرقی که حکومت اسلامی و مردم سالاری دینی، با دیگر الگوهای حکومتی دارد، نوع رابطه حاکم یا همان امام با مردم یا همان امت خود است. در حکومت‌های دیگر، آنچه این ارتباط را شکل می‌دهد، بقای حکومت به هر طریقی است؛ اما در حکومت اسلامی و ولایی آن مؤلفه حاکم بر رابطه امام و امت، رشد امت، در ارتباط با امام است (خمینی، بی‌تا: ۱۱/ ۴۴۹)؛ لذا گرچه حکومت اسلامی رنگ سیاست داشته و قالب مدیریت به خود گرفته، اما در واقع روحی تربیتی بر آن حاکم بوده که آن رساندن امت، به مقصد نهایی عبودیت است (خامنه‌ای، ۲۴/ ۱۰۷/ ۱۳۹۰). پس، باید کنش‌های اجتماعی را، در راستای تربیت یافتگی امت، تعریف کرد. برای رشدیافتگی جامعه، علاوه بر اهداف و رویکردهای کلان، به روش‌ها و یا همان راهکارهایی نیاز است. اگر اهداف و رویکردهای تربیتی، در جامعه مشخص باشد، اما روش‌ها و راهکارهای تحقق آنها در جامعه، وجود نداشته باشد، عملاً تأثیر واقعی ندارد و نتیجه بخش نیست. لذا ارائه راهکارهای مؤثر در مقیاس اجتماعی، هم توصیه عقل و عقلا است و هم مورد تأیید شارع مقدس است که خود دین اسلام نیز، برخی از آن‌ها را پیشنهاد داده است.

یکی از روش‌ها و راهکارهای تربیتی که کمتر به آن توجه شده، «تحریم اجتماعی» است. «تحریم اجتماعی» ایجاد نوعی فضای محرومیت، برای افراد ناهنجار و خطاکار جامعه است که موجب فشار روانی و اجتماعی برای آن‌ها می‌شود. این روش را می‌توان، از زوایای مختلف تحلیل نمود؛ جنبه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از جمله آن‌ها هستند که در پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره خواهد شد؛ اما آنچه این مقاله متکفل بیان آن است، بررسی این راهکار، در سنت اسلامی و از منظر آیات و روایات است.

## پیشینه و روش پژوهش

پژوهش‌های مشابه این مقاله را می‌توان در دو عرصه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جستجو کرد. در علم روان‌شناسی در شاخه تغییر رفتار، یکی از روش‌هایی که به عنوان روش‌های

تغییر رفتار و آن هم عمدتاً نسبت به کودکان مطرح است، «محرومیت زمان‌مند» است که ذیل عنوان تنبیه، به آن اشاره می‌کنند (میلتن برگر، ۱۳۹۳؛ حجار، ۱۳۹۰؛ سالک و همکاران، ۱۳۹۵). اما در جامعه‌شناسی بحث تفصیلی و دقیقی نسبت به «تحریم اجتماعی»، ارائه نموده، آن را با عنوان «طرد اجتماعی» (Social Exclusion) مطرح می‌کنند. «طرد اجتماعی» در نظر جامعه‌شناسان، عبارت از بازماندن انسان از مشارکت کامل در جامعه و کنار گذاشته شدن او است (گیدنز و ساتن، ۱۴۰۰: ۶۰۳). در این باره، کتاب‌های مختلفی نیز به رشته تحریر در آمده است (پارودی و اسکولی، ۲۰۱۲؛ صادقی و فیروزآبادی، ۱۳۹۲) و مقالات متعدد تطبیقی نیز وجود دارد (رافضی و همکاران، ۱۴۰۰؛ قاضی نژاد و ساوالان پور، ۱۳۸۷).

اما می‌توان تحقیقات مذکور را، از جنس پژوهش‌های تجربی و تحلیلی دانسته و آن‌ها را خالی از ارائه نظر اسلام و تحلیل از دریچه شریعت اسلامی شمرد. آنچه دغدغه مقاله پیش رو است تحلیل این پدیده از نظر شریعت اسلامی و بررسی آن از منظر آیات و روایات است.. البته بررسی حاضر، بیانگر نظر کامل و جامع اسلام نسبت به تحریم اجتماعی یا همان طرد اجتماعی از تمام ابعاد نیست بلکه حاوی بخشی از آن یعنی تحلیل موضوع، مبتنی بر ادله روایی و نقلی است.

علاوه بر این، پژوهش حاضر، ناظر به بیان فتوا و استخراج حکم شرعی نبوده و صرفاً دلالت پژوهی روایات مرتبط با تحریم اجتماعی است. بسیاری از توصیه‌های روایات در این زمینه، توصیه‌های ارشادی و نه مولوی بوده و حکم و وجوب و یا حرمت ندارد؛ بلکه نهایت دلالت آنها استحباب یا کراهت است. این پژوهش، علاوه بر اثبات جواز این نوع تحریم با توجه به دلالت آیات و روایات، حاوی توصیه‌هایی برای مربیان و فعالان عرصه تربیت است.

روش پژوهش در این مقاله، روش «تحلیل محتوای کیفی» است. تحلیل محتوای کیفی با واکاوی مفاهیم، اصطلاحات و ارتباطات بین این مفاهیم، سعی در استنباط و آشکار کردن الگوهای نهان در متن هدف را دارد (مؤمنی راد و دیگران، ۱۳۹۲). نوع روش تحلیل محتوای کیفی در این مقاله نیز، ترکیبی از «تحلیل اسنادی» (بررسی کتابخانه‌ای اسناد و منابع در

دسترس در مقابل مطالعه موردی)، روش شناسی مردم نگارانه و روش تاریخی-تطبیقی است (صادقی فسانی و عرفان منش، ۱۳۹۴).

## مفهوم شناسی

تحریم در لغت، از ریشه «حرم» به معنای منع شدید است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/ ۴۵). فعل «حَرَمَ» به معنای آن است که کسی چیزی بخواهد و تو درخواست او را رد کنی (ابن درید، ۱۴۰۷: ۱/ ۵۲۲). اما تحریم که از باب تفعیل است، همان معنای ثلاثی مجرد خود را دارد؛ البته با نوعی تأکید و تشدید بیشتر توأم است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۳۷). پس در واقع تحریم، به معنای منع کردن چیزی از کسی، به نحو شدید است.

تحریم اجتماعی نیز، عبارت از نوعی منع و بازداري از شخص یا اشخاصی، اما در مقیاس جمعی و اجتماعی است. یعنی در مقیاس اجتماعی، شخص یا گروهی خاص، از برخی خدمات یا ارتباطات منع شده و برقراری ارتباط یا استفاده از برخی خدمات، از آنها سلب شود به نحوی که فشار اجتماعی قرار گیرند. به عنوان مثال کسانی که هنجارشکنی می کنند، خدمات دولتی به آنها تعلق نگیرد یا امکان نقل و انتقال بانکی، نداشته باشند.

## انواع روایات تحریم اجتماعی

عناوین قابل توجه و موضوع روایاتی که با موضوع تحریم اجتماعی ارتباط دارند را می توان در نه دسته جداگانه قرار داد که عبارتند از: ۱. شارب الخمر، ۲. محارب، ۳. قاتل در حَل، که به حرم فرار کرده، ۴. مدیون، ۵. مخنث، ۶. خائنین به لشکر اسلام، ۷. اهل ذمه، ۸. منحرفین اعتقادی و ۹. تارکین زکات که در هر کدام، نوعی از تحریم اجتماعی توسط مردم یا حاکم جامعه اسلامی مشاهده می شود.

### ۱. روایات باب «شارب الخمر»

در کتب روایی، بابی درباره شارب الخمر است که در روایات آن، درباره رفتار با شارب الخمر توصیه هایی وجود دارد که او را در نوعی تحریم اجتماعی و فشار اجتماعی، قرار

می‌دهد. روایات متعددی در این باب وجود دارد که هسته مرکزی آن، روایت صحیح زیر است:

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ (محمد بن ابی عمیر) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يَعَادُ إِذَا مَرَضَ وَلَا يَشْهَدُ لَهُ جَنَازَةً وَلَا تُرْكُوهُ إِذَا شَهِدَ وَلَا تُرْجُوهُ إِذَا خَطَبَ وَلَا تَأْتِمُنُوهُ عَلَى أَمَانَةٍ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۳۹۶)؛ شارب الخمر هنگامی که مریض شد نباید عیادت شود و نباید کسی بر جنازه او حاضر شده و هنگامی که شهادت داد نیز، شهادتش مورد قبول واقع نمی‌شود؛ همچنین هنگامی که به خواستگاری رفت، نباید به او دختر داده و نباید او را امین بر امانتی نمود.

توصیه به مؤمنین، نسبت به ترک عیادت شارب الخمر، عدم حضور در تشییع جنازه او عدم قبول شهادت او، عدم ازدواج با او و منع از سپردن امانت به شارب الخمر، موجب نوعی فشار اجتماعی نسبت به مشروب‌خوار در جامعه است.

مضمون روایات دیگر این باب نیز، شبیه همین روایت است اما در برخی از روایات، مواردی را به مواد تحریم اجتماعی اضافه کرده یا به بعضی مواردی که در روایت حاضر بیان شده، اشاره نکرده اند؛ از جمله اینکه بعضی از روایات، عدم پذیرش شفاعت شارب الخمر و عدم قبول قول او را به صورت مطلق درباره شهادت یا غیر آن، علاوه بر امور بالا بیان کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۳۹۶). روایت دیگری نیز، به عدم نماز خواندن رسول خدا صلى الله عليه وآله بر جنازه افرادی که غریق الخمر هستند؛ یعنی کسانی که اعتیاد به خمر پیدا کرده‌اند و نسبت به افراد دیگر بیشتر شرب خمر می‌کنند (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳/۳۶۱) دلالت می‌کند:

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحَرِّزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا أُصَلِّي عَلَى غَرِيقٍ خَمْرٍ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۳۹۹)؛ من بر کسی که غرق در خمر شده نماز نمی‌خوانم.

گرچه این روایت به دلیل وجود جناب "محرز" که مجهول است ضعیف است؛ اما از حیث اعتبارسنجی محتوایی می‌توان آن را به عنوان شاهد مطرح کرد. در روایت دیگری که در

کتاب جامع الاخبار، نقل شده است به عدم مجالست با شارب الخمر و عدم نماز خواندن بر جنازه او توسط مؤمنین نیز، توصیه شده است:

و قَالَ ﷺ لَا تُجَالِسُوا مَعَ شَارِبِ الْخَمْرِ وَلَا تَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَلَا تُشِيعُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا تُصَلُّوا عَلَى أَمْوَاتِهِمْ فَإِنَّهُمْ كِلَابُ أَهْلِ النَّارِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «اُخْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ» (شعیری، بی تا: ۱۵۰)؛ با شارب الخمر ننشینید و از مریض های آن ها عیادت نکرده و جنازه های آنان را تشییع نکنید و همچنین بر مردگان آن ها نماز نخوانید؛ چرا که آن ها سگ های اهل جهنم هستند؛ همانگونه که خداوند می فرماید: «صدایتان را در جهنم بریده و صحبت نکنید.»

## ۲. روایات باب «محارب»

از ابواب روایی دیگر، در ارتباط با تحریم اجتماعی، باب محارب است. در تفسیر آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده، نسبت به فقره «أَوْ يَنْفُوا مِنَ الْأَرْضِ» اشاره شده که مردم شهری که به آن جا تبعید شده است نباید با او خرید و فروش کرده، نه به او پناه داده و نه به او صدقه دهند.

عَلَىٰ بُنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ قَالَ لَا يَبَايِعُ وَلَا يُؤْوَى وَلَا يَتَصَدَّقُ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۶ / ۷). امام صادق عليه السلام در مورد آیه «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» تا آخر آیه می فرماید نباید با محارب خرید و فروش شود و نباید به او پناه داده شود و همچنین نباید به او صدقه داده شود.

در نسخه ای دیگر، غذا ندادن به محارب، بیان شده است:

عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ قَالَ لَا يَبَايِعُ وَلَا يُؤْوَى وَلَا يَطْعَمُ وَلَا يَتَصَدَّقُ عَلَيْهِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۴ / ۱۰).

در حدیثی دیگر، که مفصل تر و به نوعی توضیح روایات بالا در مورد حد قسم خاصی از محارب است چنین آمده که محارب، باید تبعید شده و علاوه بر آن به مردم شهری که به آن تبعید شده، امر شود که به مدت یک سال با او نشست و برخاست، خرید و فروش و ازدواج

نکرده و حتی با او چیزی نخورند یا چیزی نیشامند؛ حتی اگر بین این یک سال، به شهری دیگر رفت نیز، باید مردم شهر دوم نیز، همین رفتار را با او داشته باشند (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۲۴۷). نکته قابل توجه، در مقایسه روایت دوم و سوم آن است که در روایت دوم عبارت «لَا يَطْعَمُ» و در روایت سوم «لَا تُؤَاكِلُوهُ» آمده است. که «لَا يَطْعَمُ» به معنای غذا ندادن به او و «لَا تُؤَاكِلُوهُ» به معنای عدم خوردن همراه او (جوهری، ۱۴۰۷: ۴/۱۶۲۴) است. در اولی، توصیه به آن است که در شهر، کسی به او غذا ندهد، اما در دومی، در مورد غذا دادن به او بیانی نیست؛ بلکه عدم همراهی با او در غذا خوردن و به عبارت دیگر همسفره شدن با او، بیان شده که برای جمع میان هر دو، می‌توان هر دو را در نحوه تعامل، مد نظر قرار داد؛ هم، توصیه به غذا ندادن و هم، عدم همسفرگی.

### ۳. روایت باب «قاتل فراری»

باب دیگر روایی مرتبط بحث تحریم اجتماعی، درباره فردی است که در حِلّ، مرتکب قتل شده، سپس به حرم فرار می‌کند. با توجه به اینکه حرم مکه حرمت داشته و نباید موجوداتی غیر از انسان را نیز، در آن کشت، قاتلی که به حرم آمده نیز، مشمول این حکم شده و نباید او را کشت. اما سؤال درباره اجرای حد قاتل است؛ یعنی قاتل چگونه باید به جزای عمل خود برسد؛ چراکه در صورتی که هر کسی قتلی انجام داده و به حرم رود و آنجا سکنی گزیند، در امان مطلق باشد، دیگر افراد باکی از قتل مردم نداشته به راحتی انسان‌ها را کشته، برای فرار از قصاص به حرم وارد می‌شوند. راهکاری که شرع مقدس برای چنین مواردی ارائه می‌دهد، راهکار تحریم اجتماعی است که در روایت ذیل بیان شده است:

عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا فِي الْحِلِّ ثُمَّ دَخَلَ الْحَرَمَ فَقَالَ لَا يَقْتُلُ وَلَا يَطْعَمُ وَلَا يَسْقَى وَلَا يَبَايِعُ وَلَا يُؤْوَى حَتَّى يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ فَيَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدُّ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۲۲۸)

امام صادق عليه السلام در مورد مردی که مرد دیگری را خارج از حرم کشته و سپس داخل در حرم شده بود، فرمودند او کشته نمی‌شود؛ اما به او غذا داده نمی‌شود، آب به او داده نمی‌شود و همچنین با او خرید و فروش نمی‌شود و به او پناه داده نمی‌شود تا

اینکه از حرم خارج شده و حد بر او جاری شود.

روایات دیگر نیز، برخی موارد را به این تحریم اضافه کرده‌اند مثل «يَمْنَعُ مِنَ السُّوقِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۲۲۶) «وَلَا يَكَلِّمُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۲۲۶). این روایات در کتاب‌های دیگر حدیثی نیز، آمده است که عیناً مثل روایات مذکور هستند. (صدوق، ۱۴۱۷: ۴/۱۱۵؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۴۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۴۱۹).

#### ۴. روایات باب «دین»

باب دیگری که در آن روایات تحریم اجتماعی دیده می‌شود، باب «الدین» است که در مورد تحریم اجتماعی مدیون است. پیامبر اسلام ﷺ بر اشخاصی که دین بر گردنشان بوده، نماز نمی‌خواندند تا با این کار، مردم را موعظه کرده و مردم بدهی هم را برگردانده و دین دیگران را سبک نشمارند. در حدیث صحیحی این چنین آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ التَّضَرُّ بْنُ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّهُ ذَكَرَ لَنَا أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ مَاتَ وَ عَلَيْهِ دِينَارَانِ دِينَاً فَلَمْ يَصَلِّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ قَالَ صَلُّوا عَلَى صَاحِبِكُمْ حَتَّى صَمْنَهُمَا [عَنْهُ] بَعْضُ قَرَاتِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ذَلِكَ الْحَقُّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِيَتَّعِظُوا وَ لِيَرُدَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لِيَلَّا يَسْتَخَفُّوا بِالْدِّينِ وَ قَدْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ مَاتَ الْحَسَنُ عليه السلام وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۹۳)؛ شخصی از از امام صادق عليه السلام پرسید که برای ما ذکر شده که مردی از انصار، درگذشت و بر گردنش دو دینار دین بود، رسول خدا بر او نماز نخوانده و فرمودند خودتان بر دوستان نماز بخوانید تا اینکه آن دو دینار را، بعضی از نزدیکان میت تقبل کردند. امام صادق عليه السلام فرمودند، این ماجرا درست است و ایشان به‌خاطر آن چنین کردند که مردم موعظه شده، مدیون‌ها دینشان را پرداخته و دین قبح زدایی نشود؛ چنان‌که رسول خدا صلى الله عليه وآله فوت کردند در حالی که بر گردنشان دین بود و همچنین امام حسن و امام حسین عليهما السلام.

در روایت دیگری که درباره قبح ماندن دین بر گردن انسان است، رسول خدا ﷺ علت آن را اینگونه بیان کرده‌اند که «وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِكَيْلَا يُجْتَرَّ عَلى الدِّينِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۵۲۸/۲) یعنی این تحریم، به خاطر آن بود که مردم، جرأت بر دین پیدا نکنند تا به راحتی، از یکدیگر قرض گرفته و به اندک بهانه ای، به آن متوسل شوند.

روایتی دیگر در ارتباط با این موضوع، در تذکره الفقها آمده است که این عدم اقامه نماز بر مدیون را رویه جاری و عام رسول خدا ﷺ درباره همه مدیون‌ها شمرده تا زمانی که جامعه مسلمین از لحاظ ثروت در حد خوبی قرار گرفتند؛ گرچه روایت، سند محکمی ندارد؛ اما از لحاظ محتوایی هماهنگ با آموزه‌های روایی پیشین است که می‌توان به نوعی تفسیر آن‌ها دانست:

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ لَا يَصَلِّي عَلَى رَجُلٍ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَأَتَى بِجَنَازَةٍ فَقَالَ هَلْ عَلَى صَاحِبِكُمْ دَيْنٌ فَقَالُوا نَعَمْ دِينَارَانِ فَقَالَ صَلُّوا عَلَى صَاحِبِكُمْ فَقَالَ أَبُو قَتَادَةَ هُمَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ - قَالَ فَصَلَّى عَلَيْهِ فَلَمَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ - قَالَ أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَمَنْ تَرَكَ مَالًا فَلْيُورَثْهُ وَمَنْ تَرَكَ دِينًا فَعَلَى (حلی، ۱۴۱۴: ۲۸۱/۴)؛ رسول خدا ﷺ، بر جنازه مردانی که بر عهده آن‌ها دین بود، نماز نمی‌خواندند. روزی، جنازه ای را نزد ایشان آورده و ایشان پرسیدند که آیا او دین دارد؟ گفتند بله دو دینار دین دارد؛ پس رسول خدا ﷺ، فرمودند خودتان بر او نماز بخوانید. ابوقتاده گفت من آن دو دینار را می‌پردازم، پس رسول خدا ﷺ، نماز خواندند. پس، هنگامی که شرایط مالی ایشان به گشایش رسید، فرمودند که من از مؤمنین به خودشان اولی‌ترم؛ پس اگر کسی مالی را ترک کند، برای ورثه او است؛ اما اگر دینی بر گردنش باشد، من دین او را پرداخت می‌کنم.

## ۵. روایت درباره «مخنث»

روایت صحیحی در باب «من امکن من نفسه» آمده که در مورد «مخنث» است. امام صادق علیه السلام، به مؤمنین توصیه می‌کنند که نسبت به مخنثین مؤمن، یعنی مردان مؤمنی که شهوت زنانه دارند، تحریم کلامی داشته با آنها صحبت نکنند تا مخنثین از این کار، احساس راحتی نکنند:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ

بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَؤُلَاءِ الْمُحَنَّتُونَ مُبْتَلَوْنَ بِهَذَا الْبَلَاءِ فَيَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُبْتَلًى وَ النَّاسُ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ لَا يَبْتَلَى بِهِ أَحَدٌ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ قَالَ نَعَمْ قَدْ يَكُونُ مُبْتَلًى بِهِ فَلَا تُكَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ يَجِدُونَ لِكَلَامِكُمْ رَاحَةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنَّهُمْ لَيْسُوا بِصَبْرُونَ قَالَ هُمْ بِصَبْرُونَ وَ لَكِنْ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ اللَّذَّةَ (كلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۵۵۱).

## ۶. روایت «خائنین به لشکر اسلام»

روایت دیگری که ذیل آیه ۴۴ سوره مبارکه توبه آمده است، در مورد ماجرای سه نفر از مسلمین است که از فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، تخلف کرده و با سوف سوف به سپاه اسلام نپیوستند تا اینکه پیامبر خدا برگشت؛ اما هنگام برگشت، ایشان و اصحابشان، نه جواب سلام آن‌ها را دادند و نه با آن‌ها صحبت کردند. جالب این است که زنان آن سه نفر با دیدن این صحنه‌ها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، رفته و درخواست طلاق کردند؛ اما ایشان آن‌ها را از جدایی منع نموده، اما توصیه کردند با همسرانشان، نزدیکی نکنند تا اینکه آن‌ها توبه شدیدی کرده و اوضاع به حالت قبل برگشت:

فَلَمَّا وَافَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، اسْتَقْبَلَنَاهُ نُهْنَةً بِالسَّلَامَةِ- فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْنَا السَّلَامَ- وَ أَعْرَضَ عَنَّا وَ سَلَّمْنَا عَلَى إِخْوَانِنَا- فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيْنَا السَّلَامَ فَبَلَغَ ذَلِكَ أَهْلُونَا فَفَقَعُوا كَلَامَنَا- وَ كُنَّا نَحْضُرُ الْمَسْجِدَ فَلَا يَسَلِّمُ عَلَيْنَا أَحَدٌ وَ لَا يَكَلِّمُنَا- فَجِئْنَا نِسَاؤَنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقُلْنَ قَدْ بَلَغْنَا سَخَطَكَ عَلَى أَزْوَاجِنَا فَتَعَتَرْنَاهُمْ- فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا تَعْتَرِلْنَهُمْ وَ لَكِنْ لَا يَفْرُبُوكَنَّ (قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۵۱).

این روایت، گرچه در تفسیر قمی آمده است و در اعتبار احادیث آن اختلاف است، اما از لحاظ اعتبارسنجی دلالی و محتوایی هماهنگ با آموزه‌های دینی و مخصوصاً موضوع تحریم اجتماعی است، و لذا مورد قبول است.

## ۷. روایات درباره «اهل ذمه»

روایات دیگری که ارتباط با تحریم اجتماعی دارد، در مورد اهل ذمه است. امام کاظم علیه السلام، در

روایتی صحیح، خوابیدن روی فرش یهودی و نصرانی را مجاز دانسته، اما از نماز خواندن در لباس آن‌ها، هم‌کاسه شدن با آنها، نشاندن آن‌ها روی فرش و مکان نماز خویش و همچنین مصافحه با آنان نهی فرمودند:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ فِرَاشِ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ يَنَامُ عَلَيْهِ قَالَ لَا بَأْسَ وَلَا يَصَلِّي فِي ثِيَابِهِمَا وَقَالَ لَا يَأْكُلُ الْمُسْلِمُ مَعَ الْمَجُوسِيِّ فِي قَصْعَةٍ وَاحِدَةٍ وَلَا يَقْعِدُهُ عَلَى فِرَاشِهِ وَلَا مَسْجِدِهِ وَلَا يَصَافِحُهُ (عريضي، ۱۴۰۴: ۲۱۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۲۶۳).

روایت دیگر، درباره ماجرای دزدی نصرانی از امیرالمومنین عليه السلام، است که وقتی برای قضاوت با هم به نزد قاضی رفتند ایشان، کنار قاضی نشست. در صورتی که، در حالت عادی، باید کنار نصرانی می‌نشستند و علت کار خود را اینگونه بیان کردند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا كُنْتُ وَ إِيَاهُمْ فِي طَرِيقٍ فَأَلْحِثُوهُمْ إِلَى مَضَائِقِهِ وَ صَعُرُوا بِهِمْ كَمَا صَعَرَ اللَّهُ بِهِمْ فِي غَيْرِ أَنْ تَظْلِمُوا (تقفی، ۱۴۱۰: ۱/۷۵)؛ رسول خدا فرمودند: هنگامی که همراه آنان در مسیری بودم، آنها را در تنگنا قرار می‌دهم. شما نیز، آن‌ها را کوچک کنید، چنانچه خداوند آن‌ها را کوچک کرده است.

این روایت، گرچه در کتاب غارات آمده، اما با آموزه‌های حدیثی ما سازگار و مورد قبول است.

## ۸. روایات درباره «منحرفین اعتقادی»

دسته‌ی دیگری از روایات که تحریم اجتماعی در آن وجود دارد، درباره بعضی از منحرفین اعتقادی است. از جمله، روایت ذیل که گرچه به خاطر مجهول بودن محمد بن احمد، از لحاظ سندی ضعیف است؛ اما می‌توان آن را از لحاظ محتوایی پذیرفت؛ چرا که خلاف آموزه‌های اسلام نبوده با موضوع بحث حاضر نیز، متناسب است. علاوه بر آن، محمد بن احمد، در شمار راویان کثیر الراویة است که محدثین شیعه از او، روایات بسیاری نقل کرده‌اند. نسبت به دسته‌ای از این افراد که قائل به جبر خداوند بر معاصی و تکلیف بما لا یطاق از ناحیه خداوند هستند، به نخوردن ذبیحه آنان، عدم قبول شهادتشان، نماز نخواندن پشت سر

آنها و زکات ندادن به آنها توصیه شده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْأَدْمِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام، حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَجْزِرُ عِبَادَهُ عَلَى الْمَعَاصِي أَوْ يَكْلِفُهُمْ مَا لَا يَطِيقُونَ فَلَا تَأْكُلُوا ذَبِيحَتَهُ وَلَا تَقْبَلُوا شَهَادَتَهُ وَلَا تُصَلُّوا وَرَاءَهُ وَلَا تُعْطَوْهُ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً (ابن

بابویه، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۲۴)؛ کسی که گمان کرده خداوند متعال بندگان را بر گناهان اجبار می‌کند و یا آن‌ها را بیش از توانشان تکلیف می‌دهد، از ذبح او نخورده، شهادتش را قبول نکرده، پشت سرش نماز نخوانده و از زکات چیزی به او ندهید.

روایات دیگری نیز، در مورد قائلان به جسمیت خداوند وجود دارد که توصیه به عدم اعطای زکات به آن‌ها و عدم نماز خواندن پشت ایشان می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۰۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۷۷؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۱/ ۷۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۸۳). در روایتی دیگر نیز ایشان کافر دانسته شده و به عدم قبول شهادت و نخوردن ذبیحه ایشان دستور داده می‌شود (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۵۶).

## ۹. روایت درباره «تارکین زکات»

روایت دیگری در مورد عکس العمل رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به کسانی که زکات نداده اند، وجود دارد که ایشان را از حضور در مسجد و نماز خواندن در آن منع کرده؛ چرا که زکات نمی‌دهند. این حدیث، به خاطر مجهول بودن «رجل» از لحاظ اعتبار سندی ضعیف است؛ اما از حیث اعتماد سه تن از فقهای عظام و همچنین هماهنگ بودن محتوا با احادیث دیگر، قابل اعتنا است.

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ يَرْفَعُهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ حَتَّى أَخْرِجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ فَقَالَ اخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَا تُصَلُّوا فِيهِ وَ أَنْتُمْ لَا تُزَكُّونَ (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۵۰۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۱۲؛

مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۸؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۱۲/۲؛ رسول خدا ﷺ در مسجد بوده که پنج نفر را نام برده و به آن‌ها فرمودند که از مسجد ما خارج شوید و در آن نماز نخوانید؛ چرا که شما زکات نمی‌دهید.

روایت در مورد استمرار این تحریم، ساکت است؛ لذا به خاطر اجمال روایت نمی‌توان امتداد این تحریم را نتیجه گرفت. آنچه از این روایت برداشت می‌شود، نوعی تحریم موردی بوده است که نسبت به این چند نفر اعمال شده است و روایات دیگری که تحریم حضور در مسجد درباره تارکین زکات را کلی بیابان عنوان حکم کلی بیان کرده باشد یافت نشد تا مثل تحریم مدیون در بازه زمانی خاصی، تارکین زکات، حق ورود به مسجد و نماز خواندن در آن را نداشته باشند.

## دلالت روایات درباره قلمرو تحریم اجتماعی

### مخاطبین تحریم اجتماعی

مخاطبین تحریم اجتماعی را می‌توان، در دسته‌های جداگانه ذیل مجرمان سیاسی و امنیتی مثل محارب، قاتل فراری، خائن به لشکر اسلام، منحرفین فکری مثل اهل ذمه و قائلین به جسمیت خداوند و مثل آن، هنجارشکنان اخلاقی مثل مدیون، هنجارشکنان شرعی مثل شارب الخمر، و تارک زکات و مخنث تقسیم کرد.

اهل ذمه در منحرفین فکری قرار گرفتند چراکه اعتقاد متفاوت آنها باعث جدایی ایشان از مسلمانان شده است. البته اگر آنها شهادتین را ادا نموده نماز را بجا نیاورند یا زکات را نپردازند از مسلمانان محسوب می‌شوند. مقصود از هنجارشکنی اخلاقی آن است که هنجارشکن، فعلی را مثل لواط و شرب خمر انجام نمی‌دهد که شرعاً حرام هستند، بلکه فعل مکروه و قبیحی که در حد حرام نیست انجام می‌دهد، پس عمل او شرعاً حرام نیست؛ اما فعلی قبیح در نظر گرفته شده است. (البته می‌توان دسته‌ای به نام هنجارشکنان اقتصادی را نیز آورد و مدیونین و تارکین زکات را جزو این دسته دانست).

نکته‌ای که در این تقسیم وجود دارد آن است که الزاماً انجام فعل حرام سبب تحریم

اجتماعی مؤمنین نیست؛ به عنوان مثال مدیون، مرتکب عمل نامشروع نشده است، اما به خاطر دلایل خاص، مورد تحریم واقع شده است؛ همچنین درباره اهل ذمه اگر کفر آنها را خلاف شرع ندانیم، با توجه به مصالح حکومت درباره زیست آنها در جامعه اسلامی می‌توان آنها را نیز داخل این نوع تحریم قرار داد.

نکته دیگر شمول تحریم نسبت به عقیده و اظهار آن است، تحریم اجتماعی فقط ناظر به اعمال و رفتارهای شخص در جامعه نیست؛ بلکه اگر کسی اعتقاد و فکری مسموم داشته و آن را بیان کند نیز، شامل تحریم می‌شود.

### تحریم دائم، موقت و مقطعی

تحریم اجتماعی از منظری دوام تحریم، در سه دسته ذیل قابل دسته بندی است:

الف) تحریم دائم: مثل تحریم شارب الخمر، اهل ذمه، قائلین به جسمیت و مثل آن.

ب) دسته تحریم موقت: مثل تحریم مدیون، محارب، قاتل فراری به حرم.

ج) دسته تحریم‌های موردی: مثل تحریم تارکین زکات و خائنین به لشکر اسلام.

تحریم دائمی برخاسته از شرائط زمانه نیست؛ بلکه به عنوان حکمی کلی، دائماً نسبت به مخاطبین خود ثابت است. به عنوان مثال، شارب الخمر در همه زمان‌ها مورد تحریم‌های اجتماعی مورد نظر قرار دارد؛ مگر اینکه بواسطه ترک شرب خمر، از موضوع این حکم خارج شود.

تحریم موقت، تحریمی است که بسته به شرائط زمانه، درباره برخی افراد است و در دو حالت لغو می‌شود؛ اول تغییر شرائط زمانه به نحوی که سببی که موجب تحریم شده، از میان برود و دوم اینکه فرد از صدق عنوانی که متعلق تحریم قرار گرفته خارج شود. مثلاً مدیون با پرداخت دین از مدیون بودن خارج شود تا از تحریم نیز خارج شود و یا شرایط زمانه تغییر پیدا کرده، اوضاع اقتصادی مسلمین سامان پیدا کرده و تحریم مدیون کلاً منتفی شود.

تحریم موردی نیز در حکم احکام شخصیه است، یعنی در زمانی خاص با توجه به شرائط ویژه آن، افراد خاصی در مدت کوتاهی مورد تحریم قرار می‌گیرند؛ بدون اینکه افراد دیگری که مشابه آنان باشند تحریم شده و یا اینکه این تحریم مدت‌دار شود. به عبارت دیگر،

فقط در آن نقطه زمانی و فقط مخاطبان خاصی تحریم می‌شوند. به عنوان مثال کسانی که زکات نداده و در روز خاصی در مسجد حاضر شدند، مورد تحریم قرار گرفته و از مسجد اخراج می‌شوند، کسانی که شاید برای روز بعد آمده و آن‌ها هم زکات ندادند مورد تحریم واقع نشدند. لذا نسبت به افراد خاصی و در بازه زمانی مقطعی بوده است.

### اثرات تحریم اجتماعی

طبق آیات و روایات مورد بحث نتیجه ای که تحریم باید با خود به همراه آورد می‌توان در ۴ دسته «خزی» دنیوی، اضطراب، حقارت و عدم راحتی شخص خاطی دسته بندی کرد. بنا بر آیه شریفه، تحریمی که نسبت به محارب صورت می‌گیرد، علاوه بر عذاب اخروی، دارای جزای دنیوی نیز هست.

«ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مانده: ۳۳).

«این برای آن‌ها خواری در دنیا است و برای آن‌ها در آخرت نیز، عذابی بزرگ است» «خزی» در این آیه شریفه، به معنای فضیحت بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۳۲۷) و فضیحت به معنای رسوایی و فاش شدن بدی‌های شخص است (جوهری، ۱۴۰۷: ۱/۳۹۱). یعنی در اثر تحریم باید عمل ناهنجاری که شخص انجام داده فاش شود و در اثر این افشاسازی، در جامعه رسوا شود.

یکی از اثرات لازم در تحریم اجتماعی سوق دادن شخص صدهنجار به فضایی است که برای او ناخوشایند و حتی موجب ضرر باشد. این اثر را از فقره ذیل «وَاضْطَرُّوهُمْ إِلَىٰ اضْطِرَاقِ الطَّرِيقِ» می‌توان برداشت کرد. اضطراب، به معنای بردن انسان است به سمت آنچه خوش ندارد یا برایش ضرر دارد (مفردات، ۵۰۳) پس، این فقره روایت توصیه می‌کند که اهل ذمه را مورد تحریم اجتماعی قرار دهید تا آنها در تنگنا ترین راه زندگی که برای آن‌ها خوشایند نیست، قرار گیرند. همچنین عبارت «إِذَا كُنْتُ وَ إِيَاهُمْ فِي طَرِيقٍ فَالْجُتُوهُمْ إِلَىٰ مَصَافِقِهِ» نیز، بیان کننده همین مفهوم است؛ چراکه معنای الجاء نیز، همان اضطراب است (جوهری، ۱۴۰۷: ۱/۷۱).

یکی از اثرات دیگری که می‌توان از تحریم اجتماعی انتظار داشت، این است که شخص

ناهنجار در فرآیند این تحریم، نوعی احساس حقارت و کوچکی درون خود مشاهده کند. عبارت «صَغَرُوا بِهِمْ كَمَا صَغَرَ اللَّهُ بِهِمْ» که در مورد تحریم اجتماعی اهل ذمه آمده، به این مطلب اشاره دارد؛ چرا که «صَغَرُ» به معنای حقارت و کوچکی شمردن است (جوهری، ۱۴۰۷: ۲/۷۱۳).

درباره آثار تحریم گفتنی است که تحریم اجتماعی نباید به گونه ای باشد باعث گشایش و آرامش خیال شخص فرد خطاکار باشد، بلکه باید سبب ناراحتی و اذیت خطاکار شود. «فَلَا تُكَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ يَجِدُونَ لِكَلَامِكُمْ رَاحَةً» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۵۱). در روایتی که پیرامون "مخنت" آمده حضرت، مؤمنان را از صحبت با شخص خطاکار منع کرده است؛ چرا که هم سخن شدن با او، باعث راحتی او می شود؛ در صورتی که باید به خاطر عمل ناهنجارش به مشقت و تنگنای اجتماعی دچار شود.

### اهداف تحریم اجتماعی

بعد از بررسی اثرات تحریم، در همین ارتباط این سؤال مطرح است که هدف و مقصود از تحریم اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی چیست؟ طبق مفاد روایات می توان چهار غرض از تحریم را بر شمرد که عبارتند از: ۱. قانون پذیری؛ ۲. عدم قبح زدایی ارزش ها؛ ۳. قبول وعظ اخلاقی اجتماعی؛ ۴. اصلاح فرد و افراد مشابه.

با توجه به روایاتی که درباره قاتل فراری وارد شده است، می توان یکی از اغراض اسلام از تحریم اجتماعی را تن دادن به قانون و قانون پذیری عنوان کرد. در عبارت «حَتَّى يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ فَيَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدُّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۲۲۸) با توجه به اینکه «حتی» در این فقره، "حتای تعلیل" (ابن هشام، بی تا: ۱/۱۲۲) می باشد، هدف از تحریم اجتماعی قاتل فراری و علت آن را، تمکن به قانون و قصاص بیان کرده است.

یکی دیگر از اهدافی که طبق روایات، از تحریم اجتماعی دنبال می شود، عدم استخفاف ارزش ها یا به عبارت دیگر عدم قبح زدایی ناهنجاری ها در جامعه است. عباراتی مثل «وَلِئَلَّا يَسْتَخْفُوا بِالَّذِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۹۳) و «إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِكَيْلَا يَجْتَرُّوا عَلَى الدِّينِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۵۲۸) به این مطلب اشاره دارد. رسول خدا ﷺ، نوعی تحریم اجتماعی

نسبت به مدیون‌ها در بازه زمانی خاصی، انجام داد تا برای مردم قبح مدیون بودن روشن‌تر شود و زیر دین رفتن امری عادی تلقی نشود.

از دیگر اهداف تحریم اجتماعی، نوعی قبول وعظ اخلاقی برای مردم جامعه است، "اتعاض" که در عبارت «أَنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِيَتَّعِظُوا» آمده که به معنای قبول وعظ و موعظه است و وعظ نیز به معنای نصیحت با ذکر عواقب کار است (جوهری، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۱۸۱) یعنی این تحریم اجتماعی برای آن است که وعظی که در مورد بازگشت دین مردم و قبح مدیون بودن است، مورد قبول مردم قرار گیرد. به عبارت دیگر، تحریم اجتماعی ایجاد نوعی فضا و جریان، برای قبول موعظه و نصیحتی است که بیان شده بوده است.

نکته قابل توجه در این غرض، پسینی بودن تحریم نسبت به نصیحت و تذکر لسانی و عملی است. به این صورت که از آنجایی که تحریم، برای قبول وعظ و نصیحت انجام شده، می‌توان این نتیجه را دریافت که قبل از انجام تحریم، وعظ و نصیحت صورت گرفته و برای گیر شدن و قبول آن نصیحت است که تحریم صورت می‌گیرد؛ ولذا انجام تحریم، قبل از بیان موعظه و نصیحت، مورد نظر اسلام نیست.

تحریم اجتماعی، علاوه بر اهداف بالا نتیجه عملی نیز دارد و آن اصلاح رفتاری مردم، در آن موردی است که به خاطر آن، تحریم رخ داده است. به عنوان مثال، در تحریم اجتماعی نسبت به مدیون، آنچه به عنوان یکی از اهداف دنبال می‌شود، آن است که آن کسانی که مدیون هستند، دین خود را نسبت به دائن ادا کرده و قرض خود را بپردازند. «وَلْيُرَدَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۹۳).

## مجریان تحریم اجتماعی

تحریمی که به کار رفته، گاهی توسط یک شخص بانفوذ است؛ مثل تحریم اجتماعی مدیون توسط شخص اول جامعه یعنی رسول خدا ﷺ؛ گاهی توسط جمع محدود در جامعه مثل تحریم مخنث است که توسط مؤمنین یعنی شیعیان اعمال می‌شود و گاهی توسط همه آحاد جامعه است مثل تحریم قاتل فراری و شارب الخمر.

علاوه بر این با توجه به عبارت «يَمْنَعُ مِنَ الشُّوقِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۶/۴) یکی از عوامل تحریم اجتماعی، می‌تواند خود حکومت باشد که خطاکار را از بازار منع کرده و ورود او به بازار را ممنوع می‌کند. منع از بازار، متمایز از توصیه به عدم خرید و فروش با شخص و نوعی دستور حکومتی و نه توصیه اجتماعی است؛ چون، منع کردن شخص از بازار، نیاز به قدرت بازدارندگی حاکمیتی دارد و اجماع اعضای جامعه، فقط می‌تواند خرید و فروش با آن شخص را تحت تأثیر قرار دهد نه ورود و خروج شخص به بازار را.

## انواع تحریم اجتماعی

انواع تحریم هایی که به کار می‌رود را نیز، می‌توان به دسته‌های مختلف ذیل تقسیم کرد.

**دسته اول:** محرومیت از شئون اجتماعی است که باعث کاهش اعتبار اجتماعی فرد می‌شود مثل محرومیت از خواندن نماز در مسجد که گرچه ضرر مادی به شخص وارد نمی‌سازد؛ اما اعتبار اجتماعی فرد را به صورت قابل ملاحظه ای خدشه دار می‌کند یا عدم خواندن نماز پشت سر کسی و یا عدم اقامه نماز میت بر جنازه شخصی، همگی نوعی تهدید جدی برای اعتبار شخص است. عدم قبول شهادت، عدم تشییع جنازه و همچنین عدم اکل ذبیحه آنان از دیگر تحریم‌های اجتماعی است که شأن اجتماعی شخص خاطی را هدف قرار داده است.

**دسته دوم:** محرومیت‌های رفاهی است؛ به این صورت که شخص از برخی تمتعات محروم شود. از جمله آنها، تمتعات جنسی است؛ بر این اساس، شخص از بهره‌های جنسی محروم می‌شود؛ مثل تحریم جنسی که در جریان خائنین به لشکر اسلام بیان شد که رسول خدا ﷺ، به اعتزال همسران آن سه نفر از ایشان در تمتعات جنسی دستور دادند؛ توصیه به عدم ازدواج با شارب الخمر نیز محرومیت از تمتع جنسی است.

**دسته سوم:** محرومیت‌های اقتصادی؛ بر این اساس به لحاظ اقتصادی، برای بهره‌مندی افراد خطاکار از ثروت و دارایی، محدودیت ایجاد می‌شود و در تحریم اجتماعی مورد هدف قرار می‌گیرد؛ از جمله آنها عدم اعطای زکات به کسانی است که قائل به جسمیت خداوند هستند.

علاوه بر این، ممکن است محرومیت درباره بهره‌مندی از امکانات اولیه زندگی مادی

مثل خرید و فروش و غذا و آب اعمال شود. این تحریم‌ها در صورت اعمال، جان شخص را تهدید کرده و او را در خطر مرگ قرار می‌دهند؛ یعنی تنها محرومیت از بعضی از تمتعات مادی نیست؛ بلکه بحث حیات شخص مطرح است که اعمال آن، به خصوص وقتی جان فرد را در مخاطره قرار می‌دهد، مربوط به شرایط و مجرمان خاصی است و بررسی آن به مجال خاصی نیاز دارد.

### مراتب تحریم اجتماعی

یکی از نکات جالب توجه درباره تحریم اجتماعی، درجات شدت و ضعف تحریم‌هاست؛ چنان‌که تحمل تحریم عدم مجالست، آسان‌تر از عدم هم‌کلامی است؛ یا تحریم زکات برای شخص می‌تواند از تحریم خرید و فروش آسان‌تر باشد؛ چراکه منع از دریافت زکات و در مقابل جواز معامله، امکان فراهم آوردن سرمایه برای فرد وجود دارد؛ اما با تحریم معامله، زکات هم برای او کاربردی ندارد.

علاوه بر این، تحریمی که درباره منع از بازار باشد، از تحریم معامله و خرید و فروش نیز دشوارتر است؛ چرا که ممنوعیت حضور در بازار، علاوه بر تحریم خرید و فروش، نوعی تحریم مربوط به اعتبار و حیثیت و جایگاه شخص است که به اعتبار اجتماعی شخص آسیب می‌زند. همچنین تحریمی که درباره عدم همراهی با شخصی در غذا خوردن است؛ خفیف‌تر از تحریم مربوط به ممنوعیت غذا دادن به اوست؛ چرا که ممنوعیت غذا دادن شخص متضمن تهدید جانی است؛ اما از عدم هم‌گذاری با او، تنها به اعتبار اجتماعی خدشه وارد می‌شود.

البته با ملاحظه تحریم‌ها روشن می‌شود که بین شدت و ضعف تحریم‌های در نظر گرفته شده، با میزان قبح هنجارشکنی‌های افراد در جامعه تناسب وجود دارد. به عنوان مثال، نماز نخواندن بر جنازه مدیون، از شدت کمتری نسبت به ممنوعیت ازدواج با شارب الخمر برخوردار است یا اخراج تارکین زکات از مسجد نیز شدت کمتری نسبت به نوع برخورد با محارب دارد و در مقابل تحریم‌های مربوط به محارب از قبیل عدم خرید و فروش و غذا ندادن به او، بسی شدیدتر از اخراج از مسجد است.

## تحریم اجتماعی به مثابه راهکاری تربیتی

چنانچه در اهداف تحریم بیان شد، یکی از اهداف تحریم، اصلاح رفتار و قبول وعظ است که از مصادیق بارز اقدام تربیتی است. البته می‌توان جلوگیری از قبح‌شکنی هنجاری و به سخن دیگر پیشگیری از انحرافات نیز، فعالیت تربیتی است؛ ولذا با توجه به اهداف تحریم اجتماعی، می‌توان در آن جهت‌گیری تربیتی در نظر گرفت.

مربیان عامل تربیت، اعم از پدر و مادر، معلم ... و حتی امام جامعه، می‌تواند برای تربیت مخاطبین خود، از تحریم اجتماعی استفاده کند. یعنی با ایجاد فضای محرومیت اجتماعی برای شخص خاطی و هنجارشکن، موجب تحت فشار قرار گرفتن شخص از لحاظ روانی و مادی و همچنین آبروی او شود؛ به نحوی که مجبور به تمکین شرایط اصلاح فکری و رفتاری شود.

جواز این مسأله به صورت کلی با ملاحظه روایات قابل اثبات است؛ اما استفاده از این راهکار لازم است با دقت کافی همراه باشد؛ از جمله آنکه با ملاحظه تفاوت‌های گوناگون فردی و نیز بنابر اقتضای شرایط متنوع اجتماعی، ظرافت‌هایی در کاربرد تحریم اجتماعی به عنوان روش تربیت وجود دارد که می‌توان با مراجعه و دلالت‌پژوهی آیات و روایات روشن می‌شود و طبق آن نمی‌توان به صورت مطلق برای هر خطا و هنجارشکنی، از این راهکار استفاده کرد؛ چنان‌که اسلام در مواجهه با هنجارشکنی‌های دیگری، از راهکاری غیر از تحریم اجتماعی، استفاده کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، وقتی هنجارشکنی، جدی باشد و آثار ویرانگریزایی داشته باشد؛ نظیر شرب خمر، محاربه، قتل، خیانت، انحراف اعتقادی، می‌توان از تحریم اجتماعی استفاده کرد؛ پس چنانچه تأثیر آسیب زای هنجارشکنی از بین برود، ممکن است تحریم آن نیز برداشته شود؛ به عنوان مثال درباره مدیون تنها در بازه زمانی خاص که دارای اثرات خاص تخریبی در عرصه اقتصادی برای جامعه مسلمین بوده که رسول خدا ﷺ دست به این روش زدند.

یکی از عناصر فابل توجه در درباره شدت تحریم‌ها، دوره زمانی و امتداد تحریم است. اصل اولی حاکم در تحریم‌ها، موردی و مقطعی بودن تحریم‌ها جهت زمینه‌سازی برای

اصلاح و تغییر رفتار است که کارایی آن اعلام هشدار به فرد و جامعه است تا قبح هنجارشکنی را مد نظر قرار دهد که نمونه آن مثل اخراج از مسجد است؛ اما در مقابل، با توجه به شرایط، بعضی از تحریم‌ها مقطعی نیستند؛ بلکه فرد در مدت مدیدی باید محرومیت‌هایی را تحمل کند و به سهولت رفع تحریم نمی‌شود که این به انحرافات عمیق مربوط است. در فعالیت تربیتی الزامی برای استمرار محرومیت و تحریم وجود ندارد؛ بلکه گاهی تنها در حد اشاره و هشدار می‌تواند موجب سامان امور فرد شود.

شرایط خاص اجرای تحریم‌ها، یکی از موضوعات قابل توجه درباره تحریم است؛ بنابراین لازم است شرایط تحقق موضوع تحریم به‌طور جدی ملاحظه شود و چه بسا این امر، از محیطی به محیط دیگر، از زمانی به زمان دیگر و از گروهی به گروه دیگر متفاوت باشد؛ چنانچه هنجاری ویژه به دلایلی اهمیت پیدا کند، تخطی از آن هنجار یا هنجارشکنی قبح بیشتری یافته و به اندازه خطایی بزرگ در نظر گرفته می‌شود؛ مثل برخورد با مدیون که در آن زمانه خاص، بنا به شرایطی ویژه از اهمیت بالایی برخوردار بود و باید با آن مقابله می‌شد. عامل اجرای تحریم، از یک منظر به فرد خاص و عموم جامعه تقسیم می‌شود؛ بعضی اوقات، عموم افراد گروه یا جامعه، مجری تحریم بوده و یک صدا، شخص خاطی را تحریم می‌کنند؛ اما گاهی اوقات تحریم توسط یک شخص پرنفوذ یا همان مربی صورت می‌گیرد؛ اما بقیه اعضای گروه، با شخص خاطی، رابطه عادی دارند. تحریم توسط مربی، به‌طور طبیعی بر ارتباط بقیه افراد با شخص خاطی مؤثر است و موجب فشار روانی است اما در این نوع تحریم، نیازی به تحریم از ناحیه دیگران نیست؛ چنان‌که درباره تحریم مدیون، تنها رسول خدا مدیون را تحریم می‌کردند. از لحاظ شدت تحریمی که فقط مربی عهده دار آن باشد، از تحریمی که همه اعضای گروه بر آن متفق باشند، شدت کمتری دارد.

پایان تحریم چه زمانی است. تحریم معمولاً همیشگی نیست و نقطه پایان دارد؛ نقطه پایان تحریم زمانی است که منشأ ایجاد آن برطرف شود؛ وقتی شخص خاطی از خطای خود آگاه شده و درصدد اصلاح برآید یا اینکه هنجارهای مورد نظر مربی فراگیر شود یا موعظه مربی مورد پذیرش متربیان قرار گرفته باشد؛ پس گاهی برای رفع تحریم، لازم است اصلاح

رفتار محقق شود و همین کافی است؛ گاهی تنها اصلاح رفتار فرد کافی نیست؛ بلکه با ملاحظه آسیب ایجاد شده، برای زمینه‌سازی رواج هنجار مورد نظر، تحریم امتداد می‌یابد؛ در مقابل گاهی هنوز فرد به کلی اصلاح نشده، اما فضای هنجارمندی مورد نظر مربی و حس پذیرش محقق شده و مقصود مربی در حرکت به نقطه مطلوب حاصل شده که موضوعاً تحریم قابل رفع است و برداشته می‌شود.

## نتیجه

بررسی راهکارهای تربیتی از منظر آیات و روایات، حلقه مفقوده‌ای است که در تحقق فرایند تربیت اسلامی باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین با برنامه تربیتی جامع مبتنی بر آن، عهده دار بیان این جهات و هدایت به سمت استخراج آن‌ها نیز است. از جمله منابع اسلام برای ارائه این مطلب، در حالت کلی سنت اسلامی است. این مقاله، در صدد اصطیاد و تبیین قلمرو موضوع تحریم اجتماعی با محور قرار دادن آیات و روایات بود تا شاکله منسجمی، از بحث تحریم اجتماعی و زوایای تربیتی مهم آن ارائه دهد. اهداف تحریم اجتماعی، شامل اصلاح رفتار، جلوگیری از قبح‌زدایی و آماده‌سازی بستر قبول موعظه است؛ همچنین از شرایط تحریم اجتماعی این است که افراد خاطی مورد تحریم، باید مرتکب تجاوز به هنجاری بزرگ شده باشند. بازه زمانی تحریم و انواع تحریم که عبارت از تحریم مقطعی، موقت و دائم بوده و همچنین مراتب تحریم اجتماعی که متناسب با هنجارشکنی باید انتخاب شود، از جمله موارد مهم دیگری است که محقق با دلالت پژوهی روایات، به آن‌ها رسیده است.

## کتابنامه

### قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
- ابن بابویه، محمد، *الامالی* (للمصدق)، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
- ابن بابویه، محمد، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_ *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_ *التوحيد* (للمصدق)، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸.
- ابن درید، ابوبکر، *جمهره اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
- ابن هشام، عبدالله، *مغنی اللیب*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، بی تا.
- پارودی، جولیان و اسکولی، داریو، *طرد اجتماعی علل و پیامدهای بلند مدت و کوتاه مدت*، فیزیکا-ورلاگ (اشپرینگر)، چاپ اول، ۲۰۱۲.
- ثقفی، ابراهیم، *الغارات*، قم، دار الکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- جوهری، ابونصر، *تاج اللغة وصحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- حجار، محمد، ترجمه میردامادی، حسین، *ناهنجاری های رفتار کودکان، راهبردهای علمی و عملی اصلاح رفتار کودکان دشوار*، تهران، ضریح آفتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- حلی، حسن، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۴.
- خزاز، علی، *کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر*، قم، بیدار، چاپ اول، ۱۴۰۱.
- خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، بی تا.
- رافضی، زهره و اسکندری، حسین و مرتضی زاده، مرضیه، *مقایسه اثر القای آزمایشی طرد اجتماعی با پذیرش اجتماعی بر انعطاف پذیری شناختی*، مجله شناخت اجتماعی، شماره ۱۹، ۱۴۰۰.
- راوندی، سعید، *الدعوات (للاوندی)*، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

- سالک، فروغ و والی پور، محمد و آقایی، پروین، *راهکارهایی کاربردی - تربیتی برای مشکلات کودکان و نوجوانان*، تهران، راز نهان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- شعیری، محمد، *جامع الاخبار*، مطبعة حیدریة، چاپ اول، بی تا.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان، *مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه، تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی*، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۲۹، ۱۳۹۴.
- صادقی، علیرضا و فیروز آبادی، احمد، *طرد اجتماعی رویکردی جامعه شناختی به محرومیت*، تهران، جامعه شناسان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- صدوق، محمد، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- طوسی، محمد، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- عریضی، علی، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- قاضی نژاد، مریم و ساوالان پور، الهام، *بررسی رابطه طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، شماره ۶۳، ۱۳۸۷.
- قمی، علی، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
- کلینی، محمد، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- گیدنز، آنتونی و ساتن، فیلیپ، ترجمه چاوشیان، حسن، *جامعه شناسی*، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- مفید، محمد، *المقنعة*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

مؤمنی راد، اکبر، علی آبادی، خدیجه، فردانش، هاشم و مزینی، ناصر، *تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش، ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج*، فصلنامه اندازه گیری تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۹۲.

میلتن برگر، ریموند، ترجمه فتحی آشتیانی، علی و عظیمی آشتیانی، هادی، *شیوه‌های تغییر رفتار*، تهران، سمت، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۳.

منبع اینترنتی: خامنه ای، KHAMENEI.IR